

ساختار عاشقانه های شاهنامه

مؤلف:

فاطمه اسمعیلی

سرشناسه	اسمعیلی، فاطمه، ۱۳۵۷ -
عنوان و نام پدیدآور	ساختار عاشقانه‌های شاهنامه / مؤلف فاطمه اسمعیلی؛ با مقدمه سیداحمد حسینی کازرونی؛ ویراستاران فاطمه رجبی بهشت‌آباد، راضیه حسن‌زاده؛ سرویراستار سیدمحمد بهنام.
مشخصات نشر	دزفول: سرو دانا، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۱۹۶ ص. ۱۴/۵۰×۲۱/۵۰ س. م.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۸۱۹۴-۱۰-۱ ریال؛ ۱۰۰۰۰۰
وضعیت فهرست نویسی	قیفا
یادداشت	واژه‌نامه.
یادداشت	کتابنامه.
موضوع	فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۲۱۶ ق. شاهنامه -- نقد و تفسیر
موضوع	فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۲۱۶ ق. شاهنامه -- شخصیت‌ها
موضوع	فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۲۱۶ ق. شاهنامه -- عشق
موضوع	عشق در ادبیات
شناسه افزوده	ح س ی ن ی کازرونی، سیداحمد، ۱۳۳۰ -، مقدمه نویسی
رده بندی کنگره	۲۱۳۹۵ س ۵ الف / PIR۴۴۹۵
رده بندی دیسی	۸۶۱/۲۱
شماره کتابشناختی	۴۲۰۲۹۱۶

ساختار عاشقانه‌های شاهنامه

فاطمه اسمعیلی

سرویراستار: سیدمحمد بهنام

ویرایش فنی: فاطمه رجبی بهشت‌آباد ویرایش هوشمند: راضیه حسن‌زاده

نمونه خوان: فهیمه دژم

صفحه‌آرا: سیدعلی میرحسینی طرح جلد: قاسم نوراحمدی

ناشر: سرو دانا قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان سال نشر: ۱۳۹۵

نوبت چاپ: اول تیراژ: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۹۴-۱۰-۱

کتاب‌آمایی: گروه متنوک (مرکز تخصصی نگارش و ویرایش کتاب)



متنوک

فهرست

آغاز سخن (۱۵)

- الف) درباره فردوسی و ساهنامه ۱۵
ب) سخنی درباره عشق ۱۹
ج) سخنی درباره عاشقانه‌های شاهنامه ۲۰

مقدمه و الف (۲۳)

- بیان مسئله ۲۳
- پرسش‌های تحقیق ۲۶
- فرضیه‌های تحقیق ۲۶
- اهداف تحقیق ۲۶
- روش تحقیق ۲۷
- روش گردآوری اطلاعات ۲۷

فصل اول: ادبیات و پیشینه تحقیق (۲۹)

- درآمد ۲۹
گفتار اول: عشق از دیدگاه فرهنگ‌ها، شواهد شعری و ضرب‌المثل‌ها ۳۰

- عشق از دیدگاه فرهنگ‌ها ۳۱
- شواهد شعری رایج در مورد عشق ۳۴
- ضرب‌المثل‌های رایج درباره عشق ۳۵
- گفتار دوم: عشق از نظر قرآن، حدیث و بزرگان ۳۶
۱. عشق از دیدگاه متون اسلامی و اندیشمندان ۳۶
۲. عشق از دیدگاه قرآن کریم ۳۷
۳. عشق در نهج‌البلاغه ۴۰
۴. عشق از نگاه دکتر شهید مرتضی مطهری ۴۱
۵. عشق از نگاه دکتر علی شریعتی ۴۲
- گفتار سوم: شکر شمس ۲۴
۱. گفتارها ۴۴
۲. کردارها ۴۵
۳. پندارها (درون‌مایه) ۵۴
۴. قهرمانان ۴۵
۵. شیوه نقل ۴۵
۶. منطق داستان ۴۶

فصل دوم: فردوسی و شاهنامه (۴۷)

- درآمد ۴۷
- شناخت فردوسی ۴۸
- مذهب و اعتقادات فردوسی ۴۹
- شناخت شاهنامه ۵۱

فصل سوم: بررسی ساختاری عاشقانه‌های شاهنامه (۵۵)

- درآمد ۵۵

فصل سوم: بررسی ساختاری عاشقانه‌های شاهنامه (۵۵)

۵۶	گفتار اول: رودابه و زال
۶۴	بررسی ساختاری رودابه و زال
۶۴	۱. گفتارها
۶۵	۲. کردارها
۶۶	۳. پندارها
۶۸	۴. قهرمانان
۶۹	۵. شیوه نقل
۶۹	۶. منطق داستان
۶۹	گفتار دوم: نه سینّه نیست
۷۳	بررسی ساختاری نه سینّه و نه سینّه
۷۳	۱. گفتارها
۷۵	۲. کردارها
۷۵	۳. پندارها
۷۶	۴. قهرمانان
۷۷	۵. شیوه نقل
۷۷	۶. منطق داستان
۷۷	گفتار سوم: سودابه و سیاوش
۸۴	بررسی ساختاری سودابه و سیاوش
۸۴	۱. گفتارها
۸۵	۲. کردارها
۸۷	۴. قهرمانان
۸۸	۵. شیوه نقل
۸۸	۶. منطق داستان

۸۸	گفتار چهارم: سیاوش و جریره دختر پیران
۹۰	بررسی ساختاری سیاوش و جریره
۹۰	۱. گفتار
۹۱	۲. کردارها
۹۱	۳. پندارها
۹۱	۴. قهرمانان
۹۲	۵. شیوه نقل
۹۲	۶. منطق داستان
۹۲	گفتار پنجم: سیاوش و رنگیس
۹۵	بررسی ساختاری سیاوش و رنگیس
۹۵	۱. گفتار
۹۶	۲. کردارها
۹۶	۳. پندارها
۹۸	۴. قهرمانان
۹۸	۵. شیوه نقل
۹۹	۶. منطق داستان
۹۹	گفتار ششم: بیژن و منیژه
۱۰۸	بررسی ساختاری بیژن و منیژه
۱۰۸	۱. گفتارها
۱۱۰	۲. کردارها
۱۱۱	۳. پندارها
۱۱۴	۴. قهرمانان
۱۱۴	۵. شیوه نقل
۱۱۴	۶. منطق داستان

۱۱۵.....	گفتار هفتم: گشتاسب و کتابیون
۱۱۷.....	بررسی ساختاری گشتاسب و کتابیون
۱۱۷.....	۱. گفتارها
۱۱۸.....	۲. کردارها
۱۱۸.....	۳. پندارها
۱۲۰.....	۴. قهرمانان
۱۲۱.....	۵. شیوه نقل
۱۲۱.....	۶. منطق داستان
۱۲۱.....	گفتار هشت: بهمن و شما
۱۲۴.....	بررسی ساختاری بهمن و شما
۱۲۴.....	۱. گفتارها
۱۲۴.....	۲. کردارها
۱۲۵.....	۳. پندارها
۱۲۶.....	۴. قهرمانان
۱۲۶.....	۵. شیوه نقل
۱۲۷.....	۶. منطق داستان
۷۲۱.....	گفتار نهم: داراب و دختر فیل قوس (پادشاه روم)
۱۲۹.....	بررسی ساختاری داراب و دختر فیل قوس
۱۲۹.....	۱. گفتارها
۱۲۹.....	۲. کردارها
۱۳۰.....	۳. پندارها
۱۳۰.....	۴. قهرمانان
۱۳۱.....	۵. شیوه نقل
۱۳۱.....	۶. منطق داستان

- گفتار دهم: اسکندر و روشنگ ۱۳۱
- بررسی ساختاری اسکندر و روشنگ ۱۳۳
۱. گفتارها ۱۳۳
۲. کردارها ۱۳۴
۳. پندارها ۱۳۴
- برگزاری مراسم ازدواج طبق سنت و آیین (جهیزیه) ۵۳۱
۴. قهرمانان ۱۳۵
۵. شیوه نقل ۱۳۶
۶. منطق داستان ۱۳۶
- گفتار یازدهم: گدا و اردشیر ۱۳۶
- بررسی ساختاری اردشیر و گدا ۱۳۹
۱. گفتارها ۱۳۹
۲. کردارها ۱۴۱
۳. پندارها ۱۴۲
۴. قهرمانان ۱۴۳
۵. شیوه نقل ۱۴۳
۶. منطق داستان ۱۴۴
- گفتار دوازدهم: اردشیر و دختر اردوان ۱۴۴
- بررسی ساختاری اردشیر و دختر اردوان ۱۴۷
۱. گفتارها ۱۴۷
۲. کردارها ۱۴۸
۳. پندارها ۱۴۸
۴. قهرمانان ۱۵۰
۵. شیوه نقل ۱۵۰

۱۵۱.....	۶. منطق داستان
۱۵۱.....	گفتار سیزدهم: بهرام و دختر چنگ زن
۱۵۳.....	بررسی ساختاری بهرام و دختر چنگ زن
۱۵۳.....	۱. گفتارها
۱۵۳.....	۲. کردارها
۱۵۳.....	۳. پندارها
۱۵۴.....	۴. قهرمانان
۱۵۵.....	۵. شیوه نقل
۱۵۵.....	۶. منطق داستان
۱۵۵.....	گفتار چهاردهم: بهرام و شق چهارخواهر
۱۵۷.....	بررسی ساختاری بهرام و عشق چهارخواهر
۱۵۷.....	۱. گفتارها
۱۵۸.....	۲. کردارها
۱۵۸.....	۳. پندارها
۱۵۹.....	۴. قهرمانان
۱۵۹.....	۵. شیوه نقل
۱۵۹.....	۶. منطق داستان
۱۶۰.....	گفتار پانزدهم: بهرام گور و دختران برزین دهقان
۱۶۲.....	بررسی ساختاری بهرام گور و دختران برزین دهقان
۱۶۲.....	۱. گفتارها
۱۶۲.....	۲. کردارها
۱۶۳.....	۳. پندارها
۱۶۴.....	۴. قهرمانان
۱۶۴.....	۵. شیوه نقل

۱۶۴	۶. منطق داستان
۱۶۴	گفتار شانزدهم: بهرام گورو دختر گوهر فروش
۱۶۸	بررسی ساختاری بهرام گورو دختر گوهر فروش
۱۶۸	۱. گفتارها
۱۶۹	۲. کردارها
۱۶۹	۳. پندارها
۱۷۱	۴. قهرمانان
۱۷۱	۵. شیوه نقل
۱۷۱	۶. منطق داستان
۱۷۲	گفتار هفدهم: بهرام گورو پند
۱۷۶	بررسی ساختاری بهرام و سپید
۱۷۶	۱. گفتارها
۱۷۶	۲. کردارها
۱۷۷	۳. پندارها
۱۷۸	۴. قهرمانان
۱۷۹	۵. شیوه نقل
۱۷۹	۶. منطق داستان
۱۷۹	گفتار هجدهم: عشق مالکه دختر طایر به شاپور
۱۸۲	بررسی ساختاری مالکه دختر طایر و شاپور
۱۸۲	۱. گفتارها
۱۸۳	۲. کردارها
۱۸۴	۴. قهرمانان
۱۸۵	۵. شیوه نقل
۱۸۵	۶. منطق داستان

گفتار نوزدهم: خسرو و شیرین	۱۸۵
بررسی ساختاری خسرو و شیرین	۱۸۹
۱. گفتارها	۱۸۹
۲. کردارها	۱۹۱
۳. پندارها	۱۹۱
۴. قهرمانان	۱۹۳
.. شیوه نقل	۱۹۴
.. منطق داستان	۱۹۴

کتاب نامه (۱۹۵)

www.ketab.ir

آغاز سخن

الف) درباره فردوسی و شاهنامه

بدین نامه برعه یاد گذرد بخواند هرآن کس که دارد خرد
نمیرم از این پس که من ندانم که تخم سخن را پراکنده‌ام^۱

فردوسی رهبر استادان سخن و شاهنگ شاعران بافضیلت و برجسته است. او مهارت استادانه‌ای در زبان دارد و شاعر ردیف اول زبان پارسی است که از همه پیشینیان نامبردار برتری یافت. «او گزاره کهن را به درستی بازگو کرده و نخستین سخنوری است که فدای نامشعالی را در کلام خود نشان داده است.»^۲

فردوسی توسی، استاد بی‌همتای شعر فارسی، بزرگ‌ترین حماسه‌سرای ایران و یکی از حماسه‌سرایان بزرگ جهان است. اثر جاویدان او «شاهنامه»، در شمار بهترین آثار حماسی عالم است. این اثر بزرگ حدود پنجاه هزار

۱. شاهنامه.

۲. عروه العاشقین، نسخه خطی، به نقل از مقاله «فردوسی و ادبیات حماسی»، ص ۵۶.

بیت دارد و منظومه‌ای به بحر متقارب، در شرح تاریخ ایران از قدیم‌ترین دوران تا حمله اعراب در قرن هفتم میلادی که شامل قسمت‌های اساطیری و داستانی و تاریخی است. فردوسی در حفظ جانب امانت و هنگام نقل مطالب، نهایت مهارت در وصف مناظر طبیعی و میدان‌های جنگ و رمانان عرصه نبرد و لشکرکشی‌ها، همچنین مجالس بزم و ذکر حکمت‌ها و راعظ دل‌پذیر و ذکر داستان‌ها، کمال توانایی را نشان داده است. این شاه‌عمراساد «در بیان افکار، نقل معانی، رعایت سادگی زبان و فکر، صراحت و روشنی سخن، استسجام و استحکام و متانت کلام به درجه‌ای از قدرت است که کلاش همواره در میان استادان نمونه سخن سهل و ممتنع تلقی گردیده است.»^۱

فردوسی با قدرت و آهنگ بی‌رنیروی بلاغت و سخن‌آرایی به گونه‌ای مطلوب، جوانب قصه‌های رامی‌پیراید و حوادث را با فلسفه عقلی و حکمت عملی اخلاقی چنان توجیه می‌کند که خواننده را قانع و خرسند می‌سازد. وی در بیان داستان‌های رزمی و نیری به درجات میل و رغبت و شوق آن‌ها چندان می‌افزاید که کسی از خواندن رسیدن آن‌ها دل‌تنگ و خسته نمی‌شود. «همین‌طور که شاهنامه‌خوانی در دربار سلاطین و امرا و سپه‌سالاران و رجال علم و ادب و حتی نقالی قهوه‌خانه‌ها و جمیع عمومی در مدت ده قرن، یعنی حدود سی نسل ایرانی امتحان داده است تا آنجا که هر کجا آهنگ شاهنامه صحیح بلند می‌شود خودبه‌خود همه گوش‌ها و دل‌ها را به سوی خود جذب می‌کند و هر که اندک ذوق و هوشی داشته باشد

بی اختیار بدان سومی گراید.^۱

شاهنامه نه تنها بزرگ‌ترین و پرمایه‌ترین دفتر شعری است که از عهد سامانیان و غزنویان بازمانده است، بلکه در واقع مهم‌ترین سند ارزش و عظمت زبان فارسی و روشن‌ترین گواه شکوه و رونق فرهنگ و تمدن ایرانی است، خزانه لغت و گنجینه فصاحت و زبان فارسی است و داستان‌های ملی و تاریخی قوم ایرانی در طی آن به بهترین وجهی نمایان شده است. احساسات عمیق وطنی و تعالیم لطیف اخلاقی در آن همه جا جلوه یافته است و شوره برآز آن ساده و روشن است. وی در بیشتر موارد سخن کوتاه می‌گوید و از پراکنده‌گویی و سخن‌پردازی پرهیز می‌کند.

سخن فردوسی اسرار و جزالتی دارد که شعر او را خاصه در داستان‌های رستم، «سلسله‌ای» که «لونگینوس» (Longinus) آن را غلط عالی خوانده است قرار می‌دهد؛ در آوردن تعبیرات گوناگون دارد، لطف و زیبایی بی‌مانندی به کلام او می‌بخشد که در سخن دیگران نیست. در آفریدن معانی و در آوردن صف‌ها و تشبیه‌های طبیعی از همه گویندگان دیگرگوی سبقت می‌رباید. خدمتی که فردوسی در زبان و ادب فارسی کرده هیچ شاعری در قرون گذشته به کشور خود نکرده است. می‌توان گفت در فنون و علوم طبیعی و فلسفی و هنری چون طب و حکمت و موسیقی، بزرگانی نام‌آور به جهان آمده‌اند و خواهند آمد؛ ولی به قطع یقین در شعر و ادب و گسترش زبان در ایران کهن، شاعری چون فردوسی از نونخواهد پیروید.

اگر تمام ثروت ایران را از عصر محمود غزنوی تا کنون در یک کفه ترازو

۱. مجموعه سخنرانی‌های نخستین جشن توس، ص ۱۷.

قرار دهند و شاهنامه فردوسی را در کفه ای دیگر، در پیشگاه خردمندان و صاحب‌دلان جهان این کفه سنگین تر خواهد بود؛ زیرا به دست آوردن سیم و زر از منابع دریایی و زمینی به حد وفور امکان دارد، ولی پدید آمدن شاعری چون فردوسی با آن همه لطف و طبع و کمال ذوق که شاهنامه‌ای پیردازد و با بازار ادب عرضه دارد محال و ممتنع است؛ چنان‌که اکنون هم که بیش از یک هزار سال از زمان می‌گذرد چنین کسی نیامده است.

«نیتی پادشاه، رازنیت‌ها، طبعی روان و آتش‌انگیز فراتر از دیگر طبایع، استعداد در نیت کمال و بالاخره فیض آسمانی و بخشش یزدانی می‌باید که در یک وجه خاکی جمع گردد تا اثری جاودانی بدین عظمت در جهانی که در معرض فزونی و زوال است به وجود آید.»^۱ «بزرگ‌ترین هنر سخنوری فردوسی در جهان ادب، راز و رمایه‌ای سربه‌گردون افراشته، سخنان خردمندان و توصیف‌های شاعرانه و گفت‌و شنودهای روان‌کاوانه خود اوست که داستان‌های کهن رازینایی دگرگون بخشیده است.»^۲ «در این صفحه‌های سخن، فردوسی خداوند هنر آفرین است نه مترجم افسانه‌های باستان».^۳

کمتر شاعری است که به عظمت مملکتش و استوار ساختن زبان ملتش تا این حد عشق و علاقه داشته باشد که عمر و هستی‌اش را بر این راه تباه کرده باشد. «میهن دوستی عمیق و راستین با شور شیفتگی به حقیقت کمیاب است... ویژگی فردوسی این است که میان آن‌ها هماهنگی ایجاد

۱. فردوسی و شاهنامه او، ص ۸۱ (با اندکی تلخیص).

۲. پژوهشی در اندیشه فردوسی، ص ۷-۸ (با اندکی تصرف).

کرده است.^۱

«برتلس» فردوسی شناس روسی در این باره گفته است: «بدیهی است مادام که در جهان مفهوم ایرانی وجود دارد، نام پرافتخار شاعر بزرگ هم (فردوسی) که تمام عشق سوزان قلب خود را به وطن خویش وقف کرده است جاوید خواهد ماند.»^۲

«فسر» فضل الله رضا نقل کرده است: «قریب نیم قرن پیش در عالم جوانی روزی از ادیب پیشاوری پرسیدم که از میان فردوسی و سعدی و حافظ کدام را بزرگ ترین گوینده پارسی زبان می داند! ادیب پاسخ داد: هزار سال پیش سوار دلاور از خراسان در عرصه پهناور سخن فارسی به سرعت تمام به تاختن پرداخت. از زبان هزاران سوار که از اکناف ایران گسترده در پی وی روان شدند، کسی به گردش هم نمی رسد، تنها دو سوار چالاک چیره دست از شیراز توانستند همیگز آن خرد را به نزدیک وی برسانند؛ ولی سوار توس همچنان در پیشاپیش سواران در تاختن بود.»^۳

پی افکندم از نظم کاخی بلند که از باد باران نیابد گزند^۴

ب) سخنی درباره عشق

در دین مقدس اسلام، لفظ «عشق» نیز کمتر در مآخذ ادبی ذکر شده و در «قرآن کریم» این کلمه مطلقاً به کار نرفته است و حب و رجات بالاتر، چون عشق «زلیخا به یوسف»، شمع و نظایر این واژه به کار رفته است.

۱. فردوسی و ادبیات حماسی، ص ۵۷.

۲. هزاره فردوسی، ص ۳۵.

۳. همان، ص ۲۹.

۴. شاهنامه.